



Linguistic Research in the Holy Quran.
Vol. 12, No. 1, 2023
Research Paper

Representation of the concept of decoration in verses and its implication in Quranic aesthetics (emphasizing historical etymology and contemporary semantics)

Seyed Majid Emami¹, Najmeh Kazemi², Hadith Riahi^{*3}

Assistant Professor, Faculty of Islamic Studies, Culture and Communication, Imam Sadegh University, Tehran, Iran

Ph.D. student of Quran and Hadith Sciences, Al-Zahra University, Tehran, Iran

Ph.D. in Quran and Hadith Sciences, Al-Zahra University, Tehran, Iran

Abstract

Everyone's perception of beauty has cultural roots. Culture and cultural representations explain and refine aesthetic standards throughout history. By referring to the Holy Quran, it can be understood that beauty has a special place in the divine text. Therefore, the Quran provides a comprehensive military word about beauty. This study is responsible for explaining and verifying the meaning of decoration in the Holy Qur'an with semantic methods, which has not yet been addressed with a comprehensive semantic approach and its place in the semantic system of the Qur'an has not been explained. The genealogy of the root of Zain in Semitic languages indicates the frequent use of its phonetic variation, which strengthens the possibility of word sharing due to its loanwords. The findings of etymology indicate the existence of two main components in the origin of this root: First, beauty and glory, and second, desire and tension. Examining the coincidences, with various activities, talks about the material and spiritual scopes. Among the functions of adornment, for believers, correction, and for non-believers, we can mention inversion in understanding, the devil's rule, deviation from truth, loss, and destruction, and neglecting spiritual causes.

Keywords: Decoration, Nature of beauty, Historical etymology, Religious aesthetics, Quranic aesthetics.



This is an open access article under the CC- BY 4.0 License ([Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)).



<https://doi.org/10.22108/NRGS.2023.138865.1898>

بازنمایی مفهوم تزئین در آیات و دلالت آن در زیبایی‌شناسی قرآنی (با تأکید بر ریشه‌شناسی تاریخی و معناشناسی هم‌زمانی)

سید مجید امامی^۱، نجمه کاظمی^۲، حدیث ریاحی^{۳*}

استادیار دانشکده معارف اسلامی فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران

s.m.emamy@isu.ac.ir

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

kazemi502@gmail.com

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

hadisriahy83@gmail.com

چکیده

برای تبیین هر مفهوم در نظام معنایی قرآن کریم، علاوه بر تمرکز بر باهم‌آیندهای آن التفات به معنای واژه در زبان‌های سامی از اهمیت خاصی برخوردار است؛ در این راستا ریشه‌شناسی تاریخی خودنمایی خواهد کرد. این مطالعه عهده‌دار تبیین و تدقیق معنای «تزئین» در قرآن کریم با روش‌های معناشناسی است که تاکنون با رویکرد جامع معناشناسانه به آن پرداخته نشده و جایگاه آن در نظام معنایی قرآن تبیین نشده است. تبارشناسی ریشه «زین» در زبان‌های سامی، حاکی از کاربرست پربسامد تنوع آوایی آن است که سبب تقویت احتمال اشتراک لفظی ناشی از وام‌واژگی آن می‌شود. دریافت‌های ریشه‌شناسی حاکی از وجود دو مؤلفه اصلی در نیایی این ریشه است؛ نخست زیبایی و شکوه و دوم تمایل و کشش. بررسی باهم‌آیی‌ها، با فاعلیت‌های متنوع، از گستره‌های مادی و معنوی حکایت دارد. از کارکردهای تزئین، برای مؤمنان، اصلاح و برای غیر آنان، وارونگی در درک و فهم، ولایت شیطان، انفکاک از حق، خسران و هلاکت، مغفول‌ماندن از علل معنوی هستند.

واژگان کلیدی: تزئین، ماهیت زیبایی، زیباشناسی قرآنی، ریشه‌شناسی تاریخی.

بیان مسئله

عارفان مسلمان، جهان جمله ظهور و تجلی حق است و چون هرچه هست سایه و جلوه خدای صاحب کمالات است، خدایی که جمیل، رحیم، رؤوف، فیاض، جواد، حسن و لطیف است. زیبایی در منظومه فکری قرآن کریم

مطالعات فلسفی و نظری درباره زیبایی، دانش زیبایی‌شناسی را به وجود آورده است. زیبایی‌شناسی جدید از فلسفه و هنر یونان سرچشمه می‌گیرد. در نگرش

از مفاهیم کلیدی و پربسامد است و در بحث از آن، حوزه معنایی گسترده‌ای وجود دارد که در آن مفاهیم متعدد به یکدیگر پیوند خورده‌اند. قرآن کریم با نگاهی فراگیر به مسئله زیبایی، مجموعه‌ای متنوع از مفاهیم زیبایی‌شناختی طبیعی، انسانی و متفاوتی را مطرح می‌کند که نشانه‌ها، دستاوردهای معینی دارند؛ فرداتی به مانند: جمال، حُسن، زینت، حلیه و بهجت. این تنوع نباید نادیده انگاشته شود و برای درک و تدقیق جهان‌بینی زیبایی در قرآن کریم، باید هر واژه در بافت و زمینه خود و با التفات به هسته معنایی آن در زبان‌های باستانی بررسی شود.

در قرآن کریم، مشتقات ریشه زین با بسامد ۴۶ مرتبه، در ساخت صرفی فعلی و اسمی، با بار معنای مثبت و منفی به کار رفته است (عبدالباقی، ۱۳۹۹، ص ۳۸۱). بافت آیات حاکی از کاربری آن در دو گونه حقیقی و کاذب است که در برخی مفهوم مثبت و ارزش‌مند را القا می‌کند. در میان این زینت‌های حقیقی، مواردی با صبغه هستی‌شناسانه، برخی با صبغه اخلاقی - اجتماعی و بعضی دیگر با رویکرد باطنی و عرفانی وجود دارند. در قسم دیگری از آیات، زینت کاذب وجود دارد که تصور زیبایی، به خطا، در ذهن انسان نقش بسته شده و از مواجه انسان نیز سخن رفته است که تدقیق شبکه معنایی آن ضروری است.

معناشناسان می‌کوشند برای تدقیق معنای واژه‌ها مفهوم آنها را به مؤلفه‌هایی تجزیه کنند. معنای هر واژه از مؤلفه‌هایی ترکیب یافته است که می‌توان آنها را از طریق تحلیل مؤلفه‌ای بازساخت (صفوی، ۱۳۷۴ش، ص ۲۷۷). منظور از تحلیل مؤلفه‌ای، تحلیل مفهوم یک واژه بر حسب اجزای تشکیل‌دهنده آن است که روابط هم‌نشینی واژه‌ها ابزاری مناسب برای آن است (لاینز، ۱۳۹۱ش، ص ۱۵۹). مطالعه کنونی را می‌توان کوششی برای باریک‌بینی در شبکه معنایی تزئین در قرآن کریم برشمرد. پژوهش حاضر با دریافت هسته معنایی زین در زبان‌های سامی، با تحلیل مفاهیم هم‌نشین به بازشناسی مؤلفه‌های

معنایی تزئین در قرآن پرداخته است. هدف آن است که دریافته شود نخست، هسته معنایی آن در زبان‌های باستانی چیست، دوم آیا بررسی آرای لغویون توسیع یا تضییق، معنایی آن را در گذر زمان نشان می‌دهد و سوم، مؤلفه‌های معنایی زینت در نظام فرهنگی قرآن کریم چگونه تحلیل و ترسیم می‌شوند. ره‌آورد چنین کوششی می‌تواند به تدقیق رهیافت‌ها درونی و بیرونی زینت بپردازد. بررسی اجمالی آیات، حاکی از کاربری آن در امور مادی و معنوی و نیز از ثمرات آن در نیل به سعادت و سقوط در شقاوت حکایت دارد.

پیشینه پژوهش

بررسی پژوهش‌ها حاکی از عدم تلاشی جامع در به تصویر کشیدن مفهوم زینت در قرآن کریم با کاربری روش‌های معناشناسی هم‌زمانی و درزمانی است. در راستای این موضوع، کتابی با نام زینت در قرآن به قلم رخشنده توکلی در سال ۱۳۸۵ به رشته تحریر در آمده است که در آن پس از تبیین مفهوم آراستگی در قرآن به بیان گونه‌های آن، الهی، شیطانی، طبیعی، مادی و جسمانی با تمرکز بر آرای مفسران پرداخته شده است. کتاب دیگری در سال ۱۳۹۳ با عنوان مفهوم زینت در قرآن کریم با تلاش محمد معین عارفی به چاپ رسیده است که در آن پس از تبیین موضوع زینت و تجمل در قرآن به گونه‌شناسی آن با نگاه تفسیری می‌پردازد. علی شریفی در مقاله‌ای هم‌راستا با موضوع زیبایی به نام منظومه زیبایی‌شناسی در پرتو آیات قرآن کریم به بررسی گونه‌شناسی زیبایی پرداخته و ذیل عنوان زینت، در دو بند، به بررسی لغوی آن در آرای راغب اصفهانی و فیروز آبادی پرداخته و نظر طباطبایی ذیل آیه ۶۰ سوره نور (... فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ ...) بسنده کرده است. کتاب معنای زیبایی در قرآن کریم با قلم مهدی مطیع، با کاربری معناشناسی توصیفی به تبیین کلی دلالت‌های زیبایی در قرآن کریم می‌پردازد؛ اما

تدقیق مفهوم تزین با ریشه‌شناسی تاریخی و تجزیه مؤلفه‌های آن و برون‌آوری رهیافت‌های درونی و بیرونی آن در این اثر قابل ردیابی نیست.

در پژوهش حاضر، نگارندگان در راستای تدقیق شبکه معنایی زینت در قرآن کریم و ردیابی رهیافت‌های فردی و اجتماعی آن با رویکرد جامع معناشناسانه به صورت‌بندی مفهوم زینت در قرآن کریم می‌پردازد. به بیان دیگر، پس از بررسی آرای لغویون، به شناخت هسته معنایی آن در زبان‌های باستانی با کاربست ریشه‌شناسی تاریخی (معناشناسی درزمانی) و ارزیابی آرای لغویون پرداخته و با بهره‌گیری از معناشناسی ساختاری (معناشناسی هم‌زمانی) و تبیین مؤلفه‌های معنایی آن به تصویرسازی مفهوم زینت می‌پردازد تا از این رهگذر، کارکردها و پیامدهای آن هویدا شوند.

روش‌شناسی پژوهش

در پژوهش حاضر از ریشه‌شناسی تاریخی (معناشناسی درزمانی) برای ردیابی نیایی واژه در زبان‌های سامی و دریافت هسته معنایی آن و به‌منظور تعیین مؤلفه‌های معنایی «زین» در قرآن کریم با جستاری در واژه‌های هم‌نشین، از معناشناسی ساختاری (معناشناسی هم‌زمانی) بهره برده شده است. در این مطالعه به تغییرات معنای واژه و فرآیند ساخت آن در طول زمان و نیز ریشه اصلی واژه و وام‌واژه بودن آن پرداخته می‌شود. هر زبان به دلیل موقعیت جغرافیایی و امکان وام‌گیری و اثرگذاری می‌تواند واژه را از نیای زبانی خود دریافت کند. زبان‌هایی را که از مدیترانه تا فرات و از بین‌النهرین تا جنوب عربستان به کار می‌رفتند، زبان سامی می‌نامند که بعضی از آنها مرده و بعضی دیگر تاکنون زنده‌اند. زبان‌هایی مانند اکدی، عبری، آرامی، سریانی، حبشی و ... (پالمر، ۱۳۸۱، ص ۸). برای ریشه‌شناسی الفاظ قرآنی، مقایسه چهار شاخه و زیرشاخه با زبان عربی لازم به نظر می‌آید. هر کدام از این چهار شاخه یک زبان محوری در نظر گرفته می‌شود

که عبارت‌اند از: اکدی، عبری، یمنی و حبشی. همچنین، در زبان آرامی، زبان سریانی بررسی می‌شود.

در معناشناسی ساختاری، یک مطالعه هم‌زمانی صورت می‌گیرد؛ به این معنا که ارتباط یک واژه با واژه‌های دیگر در سطح جمله و متن، یعنی روابط هم‌نشینی در سیاق آن، بررسی می‌شود. روابط هم‌نشینی، یکی از نشانه‌های زبانی است که مربوط به ترکیب کلمات در جمله یا کلام بوده و به کلماتی که در جوار یک کلمه قرار گرفته‌اند، کلمات هم‌نشین آن گفته می‌شود. در معناشناسی زبانی به فرآیند هم‌نشینی شدن واحدهای واژگانی روی محور هم‌نشینی، هم‌نشینی معنایی گویند (صفوی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۶). در این مقاله، افزون‌بر ریشه‌شناسی تاریخی ماده زین از کاربست معناشناسی ساختاری با تأکید بر واژگان هم‌نشین برای تعیین شبکه معنایی این واژه در قرآن کریم بهره برده می‌شود؛ بنابراین، در این پژوهش در ۴ گام، مقصود پژوهش به دست می‌آید که عبارت‌اند از:

۱. ماده زین در کتب لغت؛
۲. مشتقات ریشه زین در زبان‌های سامی؛
۳. صورت‌بندی مفهوم زین با کاربست روابط هم‌نشینی؛
۴. ردیابی پیامدهای و کارکردهای آن در نظام معنایی قرآن.

۱. ماده «زین» در کتب لغت

جمهور لغت‌شناسان در تبیین معنای ریشه زین، به تقابل با الشین و ترادف آن با الحسن اشاره می‌کنند (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۳۸۷؛ ازهری، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۸۳۱؛ صاحب، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۹۴؛ جوهری، ۱۳۷۶، ج ۵، ص ۲۳۱۱؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۴۱؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۱۶۷؛ ابن‌سیده، ۱۴۲۱، ج ۹، ص ۹۱؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۲، ج ۱۳، ص ۲۰۱؛ موسی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳۵۱؛ فیومی، ۱۴۰۴، ص ۲۶۱؛ مصطفوی، ۱۴۳۰،

ج ۴، ص ۳۹۶). راغب اصفهانی، زینت را در ساحت‌های مختلف مادی، معنوی، عملی، فکری و ... بر می‌شمرد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۱۶۸). مصطفوی نیز در بیان گونه‌های زینت، به ذاتی و عرضی بودن آن و حُسن دیدن در اثر علاقه و تخیل اشاره می‌کند (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۴، ص ۳۹۸). افزون بر آن، در تهذیب اللغة و لسان العرب به تقابل آن با قبیح اشاره شده است (ازهری، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۸۳۱؛ فیومی، ۱۴۰۴، ص ۲۶۱)؛ بنابراین، در بررسی ماده زین، دقت در معنای ۳ کلیدواژه، الشَّین، القبیح و الحُسن ضروری است.

لغویون «الشَّین» را به معنای عیب و پلیدی دانسته‌اند و به مترادف آن با قبیح و تقابل آن با حُسن اشاره کرده‌اند (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۲۹۷؛ ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۱، ص ۳۰۳؛ جوهری، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۲۰۹۶؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۲۲۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۴۰۷؛ ابن‌سیده، ۱۴۲۱، ج ۸، ص ۱۹۷؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۲، ج ۱۳، ص ۴۲). راغب اصفهانی، آنچه را از صورت‌ها و اجسام که چشم آدمی آن را زشت می‌شمارد و دیدن آن را نمی‌پذیرد و از آن روی می‌گرداند یا کارها و حالاتی که نفس و جان آدمی آنها را زشت می‌شمارد، الشَّین و القبیح یاد کرده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۳۹۸). مصطفوی، هر آنچه از اعتدال برخوردار است را الحسن و خروج از اعتدال را القبیح بر می‌شمرد (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۹، ص ۱۹۱). برآیند آنچه لغت‌شناسان در باب تبیین واژه الحسن بیان کرده‌اند، حاکی از آن است که هر اثر بهجت‌آفرین و شادی‌بخش که مورد آرزو باشد و از عیب و پلیدی پاک باشد، الحُسن است که می‌تواند در عقل، هوس، حسی و طبیعی متبلور شود (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۱۴۳؛ ازهری، ۱۴۲۱، ج ۴، ص ۱۸۲؛ جوهری، ۱۳۷۶، ج ۵، ص ۱۹۹۵؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۵۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۳۵؛ ابن‌سیده، ۱۴۲۱، ج ۷، ص ۲۰۴؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۲، ج ۱۲، قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۸۳؛ ابن‌سیده، ۱۴۲۱، ج ۳،

ص ۱۳۱). با توجه به آنچه رفت شاهد تضییق یا بسط معنایی در آرای لغویون ذیل ماده زین نبوده و یگانه معنای دریافتی مبرابردن از عیب، نقص و پلیدی است که موجب بهجت‌آفرینی و نشاط است و بنابر نظر مصطفوی، مؤلفه اصلی آن برخورداری از اعتدال است. این مفهوم در ساحت‌های مختلف مادی، معنوی، عملی، فکری و ... مصداق می‌یابد؛ بنابراین، لغویون با نگاه دو سویه، اخلاقی و حسی به تبیین این واژه پرداخته‌اند.

۲. مشتقات ریشه «زین» در زبان‌های سامی

زبان عربی در کنار زبان‌هایی مانند عبری، آرامی، اکدی، فنیقی و ... یکی از شاخه‌های زبان‌های سامی به‌شمار می‌رود. تغییراتی مانند بسط یا تضییق معنایی، به سبب هجرت از موطن اولیه رخ داده است که با تغییرات صرفی، نحوی و آوایی همراه بودند؛ با این حال، همچنان اشتراکاتی میان این زبان‌ها به‌وضوح دیده می‌شود که نتیجه تاریخ مشترکشان در اعصاری کهن‌تر است (آذرنوش، ۱۳۸۳، ص ۱۸۲). در معتبرترین فرهنگ‌های اکدی، از زبان‌های اصلی منطقه شمالی حاشیه‌ای، واژه‌ایی یافت می‌شود که به نظر می‌رسد به سبب قرابت آوایی پیوند نزدیکی با ریشه زین در زبان عربی دارد. واژه‌ای در مقوله صرفی صفت به شکل آوایی zayyah (زایا) به معنای فرح‌بخش (Black, 2000, p356) و واژه‌ای در مقوله صرفی صفت به شکل آوایی ziyyanu (زیان) به معنای دوست‌داشتنی دیده می‌شود (Black, 2000, p360). افزون بر این واژگان، واژه‌ای به معنای محبت و عشق به شکل آوایی rainu (راینو) در این زبان کاربرد داشته است (Black, 2000, p328).

بررسی فرهنگ‌های معتبر عبری، زبان‌های مهم شمالی مرکزی موجود، حاکی از کاربست واژه‌ای در مقوله صرفی صفت، به شکل آوایی zinnu (زیننو) به معنای درخشان و شفاف است (Gesenius, 1939, p.259). بررسی معتبرترین فرهنگ‌های موجود آرامی کهن، دومین

زبان عمده شرق مدیترانه، از کاربست واژه‌ای در مقوله صرف صفت و به شکل آوایی zoya (ژیا) به معنای با شکوه و مجلل حکایت می‌کند (Jastrow, 1903, vol2, p138). در بررسی معتبرترین فرهنگ‌های سبئی موجود، از شاخه زبان عربی جنوبی، واژه‌ای یافت نمی‌شود که بتواند به سبب اشتراک آوایی نیایی برای ریشه زین باشد.

در معتبرترین فرهنگ‌های زبان گعز، از زبان‌های حبشی از منطقه جنوبی، واژه‌هایی یافت می‌شود که به نظر می‌رسد پیوند نزدیکی با ریشه زین در زبان عربی دارد. در این فرهنگ‌ها، واژه‌ای در مقوله صرفی فعل و به شکل ziuneh (زییون) به معنای جذب کردن و واژه‌ای دیگر به شکل آوایی zine (زین) در مقوله صرفی اسم، به معنایی زیبا دیده می‌شود (Leslau, 1991, p.75-751). تبارشناسی ریشه زین در زبان‌های سامی، حاکی از کاربست پربسامد تنوع آوایی آن است که سبب تقویت احتمال اشتراک لفظی ناشی از وام‌واژگی آن می‌شود. دریافت‌های ریشه‌شناسی حاکی از وجود دو مؤلفه اصلی در نیایی این ریشه است؛ نخست، زیبایی و شکوه و دوم، تمایل و کشش.

زبان سامی	شکل آوایی	ساختار صرفی	معنا
اکدی	zayyah	اسم	فرح‌بخش
	zinnu	صفت	درخشان
	rainu	اسم	عشق
عبری	zinnu	صفت	درخشان
آرامی	zoya	صفت	باشکوه
گعز	ziuneh	فعل	جذب کردن
	zine	صفت	زیبا

۳. شبکه معنایی زین (زیبایی) در قرآن کریم

در قرآن کریم، مشتقات ریشه زین با بسامد ۳۹ مرتبه، در ساخت صرفی فعلی و اسمی، با بار معنای مثبت و منفی به کار رفته است (عبدالباقی، ۱۳۹۹، ص ۳۸۱). ماده

حرفی زین در دو ساخت صرفی اسم (زینه)، با بسامد ۱۷ مرتبه و فعل (معلوم و مجهول) با بسامد ۲۲ مرتبه در قرآن کریم به کار رفته است. در ادامه با بررسی باهم‌آیی‌های زین و دقت در سیاق آیات در سه بخش فاعلیت تزین، گستره زینت و پیامدها و کارکردهای آن، به تبیین ممیزه‌های این ریشه پرداخته می‌شود.

۳-۱. فاعلیت تزین

در بررسی باهم‌آیی‌های مشتقات زین، سخن از فاعلیت خدا، شیطان، قرناء و شرکاء (بت‌ها) رفته است. بیشترین بسامد، با لحاظ کردن گوناگونی در گستره این فاعلیت، به ترتیب به خدا و شیطان تعلق دارد که به شرح ذیل است.

۳-۱-۱. فاعلیت خدا

ضمیر متصل نا در ۷ آیه در رابطه مکملی با فعل زین بیان شده است (الصافات/۶؛ فصلت/۱۲؛ الملک/۵؛ الانعام/۱۰۸؛ النمل/۴؛ الحجر/۶؛ ق/۶). در این آیات، سخن از زینت دادن آسمان دنیا و تعلقات آن و نیز مزین کردن اعمال انسان به فاعلیت خداوند متعال است. در آیه ۶ سوره ق خداوند متعال، انسان را به تفکر در عظمت، نظم و زیبایی آسمان فرا می‌خواند و چنین می‌فرماید: «أَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بُنِيَتْهَا وَ زَيَّنَّاها وَ مَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ». قریب این مضمون در آیه ۱۶ سوره حجر نیز بیان شده است (لَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجاً وَ زَيَّنَّاها لِلنَّازِطِينَ). خداوند متعال در این دو آیه به مزین کردن السماء و در سه آیه دیگر به تزین السماء الدنيا با الكواكب و المصایب اشاره کرده است (الصافات/۶؛ الملک؛ فصلت/۱۲). مفسران، الدنيا را یکی از آسمان‌های هفت‌گانه‌ای یاد کرده‌اند که نزدیک‌ترین فضا به انسان است و ستارگان در آن قرار دارند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۶۸۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۷، ص ۱۲۳، ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۲۳، ص ۱۰).

آیه ۱۰۸ سوره انعام پس از بیان یکی از ادب‌های دینی برای حفظ مقدسات، از یکی از قوانین تکوینی سخن رفته است: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيْنًا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ». عبارت زَيْنًا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ، به زینت‌دادن اعمال به وسیله لداژد اشاره می‌کند. طباطبایی، در تبیین این عبارت، به لذات مادی و فکری به عنوان متعلقات عمل اشاره می‌کند که آن را در نظر انسان زیبا جلوه می‌دهد و آن را سبب حصول به نتایجی تکوینی می‌داند که خداوند از خلقت انسان در نظر داشته است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۷، ص ۳۱۴). آیات ۷ حجرات و ۴ نمل از نظر مضمون زیر شمول آیه مذکور است. در آیه ۴ سوره نمل خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زَيْنًا لَّهُمْ أَعْمَالُهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُونَ». معنای زینت‌دادن عمل این است که عمل را طوری قرار دهند که آدمی مجذوب و شیفته آن شود (همان، ج ۱۸، ص ۳۱۲) و چون زندگی دنیا قابلیت این شیفتگی و تحیر را ندارد، ثمره‌ای جر سرگردانی و تحیر (يَعْمَهُونَ) حاصل نمی‌آید. در آیه ۷ سوره حجرات خداوند متعال می‌فرماید: «وَاعْلَمُوا أَنَّ فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِنَ الْأُمْرِ لَعَنِتُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَٰئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ». محبوب‌کردن ایمان در دل مؤمنین به معنای جذب قلوب آنان به سوی ایمان است که نمی‌توانند به آسانی از آن رو به سوی چیزهای دیگر کنند (همان، ج ۱۸، ص ۳۱۲).

۲-۱-۳. فاعلیت شیطان

الشیطان در ۵ آیه در رابطه مکملی، در نقش فاعلی، با مشتقات زین است (الانعام/۴۳؛ الانفال/۴۸؛ النمل/۶۳، ۲۴؛ العنکبوت/۳۸). متعلق زینت در این آیات، اعمال است. در آیه ۴۳ سوره انعام خداوند متعال می‌فرماید: «فَلَوْ لَا إِذْ جَاءَهُمْ بِأَسْنَانَا تَضَرَّعُوا وَلَكِنْ قَسَتْ

قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ». مضمون آیه از زینت‌دادن اعمال انسان از سوی شیطان و قساوت قلب و در پی آن، رجوع نکردن انسان به درگاه الهی، حتی در پی بلایات سخن رفته است. آیه ۴۸ سوره انفال درباره زینت‌دادن اعمال مشرکین، تحریک آنها به جنگ با مسلمین و سپس تنها گذاشتن آنان حکایت می‌کند و چنین می‌فرماید: «وَإِذْ زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَإِنِّي جَارٌّ لَكُمْ فَلَمَّا تَرَأَتِ الْقِفَّتَانِ نَكَصَ عَلَىٰ عَقِبَيْهِ وَقَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكُمْ إِنِّي أَرى مَا لَا تَرَوْنَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ». مفسران زینت‌دادن عمل آدمی از سوی شیطان را به معنای تهییج عواطف درونی مربوط به آن عمل دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۲، ص ۲۸۳؛ ابن عاشور، بی‌تا، ج ۱۳، ص ۵۶۸؛ محمد جواد مغنیه، ج ۴، ص ۵۶۸).

در آیات ۲۴ نمل و ۳۸ عنکبوت به زینت‌دادن اعمال اهل سبأ، ثمود و عاد توسط شیطان اشاره شده است. در آیه ۲۴ نمل می‌فرماید: «وَجَدْتُنَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ». در آیه ۳۸ عنکبوت نیز در مقام عبرت‌گیری مردم مکه در گرفتار شدنشان به عذاب الهی می‌فرماید: «وَعَادًا وَثَمُودَ وَقَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ مِنْ مَسَاكِينِهِمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَكَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ». در آیه ۶۳ سوره نحل نیز تکذیب‌کردن رسالت در اقوام گوناگون را در پی زینت اعمال آنان بر می‌شمرد (تَاللَّهِ لَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِنْ قَبْلِكَ فَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَهُمْ وَلِيَّهُمْ الْيَوْمَ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ). با توجه به آیات بستر تزئین شیطان، عمل انسان است.

۳-۱-۳. فاعلیت قرناء

قرناء از دیگر مفاهیمی است که با بسامد ۱ آیه در رابطه مکملی با زین قرار دارد. در آیه ۲۵ سوره فصلت خداوند متعال می‌فرماید: «وَقَيَّضْنَا لَهُمْ قُرَنَاءَ فَزَيَّنُوا لَهُمْ مَا

بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ». واژه قرین در قرآن کریم در ۶ آیه و قرناء (جمع مکسر) در ۱ آیه به کار رفته است (الزخرف/۳۶، ۳۸؛ الصافات/۵۱؛ النساء/۳۸؛ ق/۲۷، ۲۳). در آیه ۵۱ سورة صافات، سخن از ملازمی در دنیاست که بر طریق انکار و استهزاء معاد بوده است (الصافات/۵۱-۵۴: وَقَالَ قَرِينُهُ هَذَا مَا لَدَىَّ عَتِيدٌ * يَقُولُ أَعْنَكَ لِمَنِ الْمُصَدِّقِينَ * أَءِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَ عِظَامًا أُنَّا لَمَدِينُونَ * قَالَ هَلْ أَنْتُمْ مُطْلِعُونَ * فَاطْلَعَ قَرَاءَهُ فِي سَوَاءٍ الْجَحِيمِ).

در آیه ۳۶ سورة زخرف از سبب قرین شدن شیطان سخن رفته است «وَمَنْ يَغْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نَقِيضٌ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ». در آیه ۳۸ سورة نساء، ریاکار را قرین شیطان می‌داند و این ملازمت را سوء بر می‌شمرد «... مَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا». لحن آیه ۳۸ سورة زخرف نیز، نشان از بیزاری از ملازمت با قرین است «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَا لَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمُشْرِكِينَ فَيُنْسِ الْقَرِينَ». واژه قرین در آیه ۲۷ سورة ق نیز، مسلماً ملازمت شیطان است «قَالَ قَرِينُهُ رَبَّنَا مَا أَطْعَمْتُهُ وَلَكِنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۲۷۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۸، ص ۳۷۲). در آیات گفته شده، قرین به ملازمت شیاطین جن و انس تعبیر شده است. نظرات مفسران تنها در آیه ۲۳ سورة ق (وَقَالَ قَرِينُهُ هَذَا مَا لَدَىَّ عَتِيدٌ)، به دو گونه تبیین شده است. برخی به مانند طباطبایی و طبرسی، قرین را به معنای ملک موتی که در دنیا با او همراه بوده است یا سائق یاد کرده‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۸، ص ۳۵۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۲۲۰) و برخی دیگر به مانند آلوسی، مراد از قرین را، شیطانی بر می‌شمردند که یک عمر با او بوده و گمراهش کرده است (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۳، ص ۳۳۷). ابن عاشور نیز آن را نفس کافر تبیین می‌کند (ابن عاشور، بی تا، ج ۲۶، ص ۲۵۷).

بنابراین، با توجه به نکات فوق، فارغ از اختلاف نظر

در آیه ۲۳ سورة غافر، واژه قرین (مفرد قرناء)، در بافتی نامطلوب به ملازمت شیاطین، جن و انس، دلالت دارد. در آیه ۲۵ سورة فصلت که از تزین قرناء حکایت می‌کند و با نظر به مضمون آیه ۳۶ سورة زخرف (وَمَنْ يَغْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نَقِيضٌ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ)، هر کس از یاد خدا رو بگرداند، شیطانی برایش قرین خواهد بود که زینت‌ها مادی و به تعبیر طبرسی، گناهانشان را در نظرشان جلوه دادند و پیامد این زینت، خسران است (إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ).

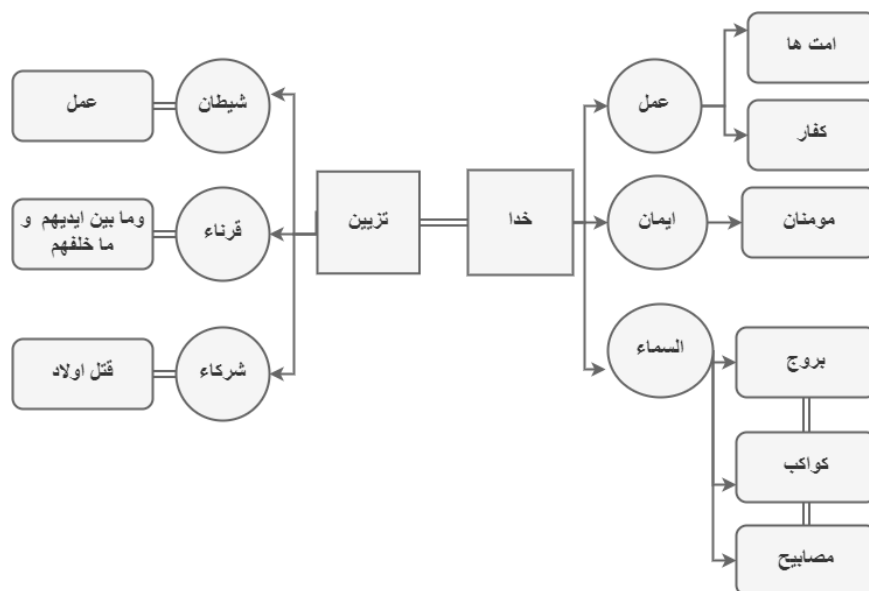
۴-۱-۳. فاعلیت شرکاء

شرکاء از دیگر واژگانی است که در رابطه مکملی با زین و در فاعلیت آن قرار دارد. در آیه ۱۳۷ سورة انعام خداوند متعال می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ زَيْنٌ لِكَثِيرٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قُتِلَ أَوْلَادُهُمْ شُرَكَائِهِمْ لِيُرْذُوهُمْ وَلِيَلْبِسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ». آنچه مبرهن است اینکه بت‌ها جمادی بیش نبودند؛ اما آنچه فی الواقع فاعل زینت است، محبوبیت و واقعیتی است که در دل مشرکان بود و به این شیفتگی سبب شد به منظور تقرب به آنها فرزند خود را قربانی کنند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۷، ص ۳۶۱؛ مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۳، ص ۲۷۱). التحریر و التنویر کارکرد تزین را در این آیه ایجاد تخیل می‌داند (معنی تزین ذلک هنا أَنَّهُمْ خَيَّلُوا) (ابن عاشور، بی تا، ج ۷، ص ۷۴). دقت در مضمون آیه حاکی از آن است که هر آنچه در مسیر تعالی بنده در مرتبه بالای از محبت و کشش، در عرض محبت حق تعالی قرار داشته باشد، می‌تواند مصداقی از شرکاء در آیه مذکور باشد.

شایان ذکر است بافت آیات زین حاکی از کاربرست آن به شکل مجهول با بسامد ۹ مرتبه است (البقره/۲۱۲؛ الانعام/۱۲۲؛ التوبه/۳۷؛ یونس/۱۲؛ الرعد/۳۳؛ الفاطر/۸؛ غافر/۳۷؛ محمد/۱۴؛ الفتح/۱۲). جمهور مفسران در بیشتر آیات، با توجه به سیاق، فاعلیت را به شیطان منسوب

کرده‌اند. در برخی از آیات مانند آیه ۲۱۲ سوره بقره (زَيْنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا) نیز طباطبایی، فاعل را به شیطان و مجمع خداوند متعال یاد کرده‌اند؛ بنابراین، با توجه به

آنچه در بیان فاعل ریشه زین گذشت، در نمودار زیر ترسیم می‌شود.



۲-۳. گستره زینت

بنا بر تقسیمی، گستره زینت در دو گونه تبیین می‌شود؛ نخست زینت‌های محسوس و مادی و دوم، زینت‌های متافیزیکی. مقصود از زینت‌ها مادی، اقسامی هستند که با حواس پنج‌گانه قابل درک هستند و مراد از زینت‌های متافیزیکی، گونه‌ای است که قوه عاقله و واهمه انسان مدرک آن باشد؛ مانند باورها، ایمان و ...؛ در ادامه، این دو ساحت تبیین می‌شوند.

۱-۲-۳. امور مادی و محسوس

در برخی از آیات بافت معنایی زین، از تزئین عالم خلقت حکایت دارد. در آیات ۶ صافات، ۵ ملک، ۱۲ فصلت و ۶ ق از مزین کردن آسمان خلقت با کواکب، مصابیح و صورت‌های فلکی سخن رفته است. در آیه ۲۴ سوره یونس نیز به زیبایی و خرمی گیاهان اشاره می‌فرماید: «إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أُنْزِلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّىٰ إِذَا

أَخَذَتِ الْأَرْضُ زخرفها وَازَيَّنَّتْ ...». در آیه ۴۶ سوره کهف، مال و فرزند (الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا) و در آیه ۸ سوره نحل، مرکب‌های مختلف (وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةٌ) زینت‌های دنیوی برشمرده می‌شوند. در آیه ۳۱ سوره نور نیز مقصود از عبارت لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا، مواضع زینت است؛ زیرا اظهار زینت از قبیل گوشواره و دست بند حرام نیست، پس مراد از اظهار زینت، اظهار محل آنها است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۵، ص ۱۱۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۲۱۷). در آیه ۳۱ سوره اعراف، خداوند متعال می‌فرماید: «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ». زینت در این آیه می‌تواند زینت‌های جسمانی باشد؛ شامل پوشیدن لباس‌های مرتب و پاک و تمیز و شانه زدن موها و به کار بردن عطر و مانند آن و هم شامل زینت‌های معنوی، مانند صفات انسانی، ملکات اخلاقی و پاکی نیت و اخلاص. در آیه ۳۲ اعراف نیز می‌فرماید: «قُلْ

مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ ...». طبرسی مقصود از این زینت را لباس‌ها و پوشش‌ها بر می‌شمرد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۶۷۳). طباطبایی نیز آن را انواع و اقسام زینت‌هایی تبیین می‌کند که جامعه باعث مجذوب‌شدن دل‌ها به سوی آن باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۸، ص ۷۹).

در تعدادی از آیات نیز به‌طور کلی به شئون مختلف زندگی دنیوی اشاره می‌شود که سبب رغبت قلب به سوی آنان می‌شود، بدون ذکر مصداق؛ به‌طور مثال در آیه ۱۵ سوره هود خداوند متعال می‌فرماید: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوفِ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ». قریب این مضمون در آیه ۶۰ سوره قصص نیز بیان شده است: «وَمَا أُوتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَزِينَتِهَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى أَفَلَا تَعْقِلُونَ». در آیه ۷ سوره کهف نیز خداوند متعال به علقه و جذبه انسان با مظاهر دنیوی، مال و اولاد و جاه و مقام اشاره می‌کند که ابزاری برای ابتلای انسان است و چنین می‌فرماید: «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا».

۲-۳. امور غیر مادی و متافیزیکی

گستره زینت و زیبایی در قرآن کریم از پدیده‌های مادی فراتر بوده است و به حوزه ادراکات درونی نیز تسری یافته است. مضمون آیات که از مواجهه دوگانه انسان در رویارویی با یک عمل یا اعتقاد حکایت دارد، مؤیدی بر آن است؛ به این معنا که فعل یا اندیشه‌ای به سبب تزیین آن، در دید فرقه‌ای مطلوب و خوشایند است؛ ولی همان باور و عمل در نظر طایفه‌ای دیگر قبیح و ناپسند است. این افتراق در حوزه ادراک رخ داده است. بافت آیات مشتقات زین، نیز از این حوزه بسیار سخن رانده است. تزیین عمل (عمل سوء)، شهوت، ظن، ایمان حاکی از مزین‌کردن آن در حوزه ادراک فرقه‌ها و اشخاص است. در ادامه به تبیین این حوزه پرداخته می‌شود.

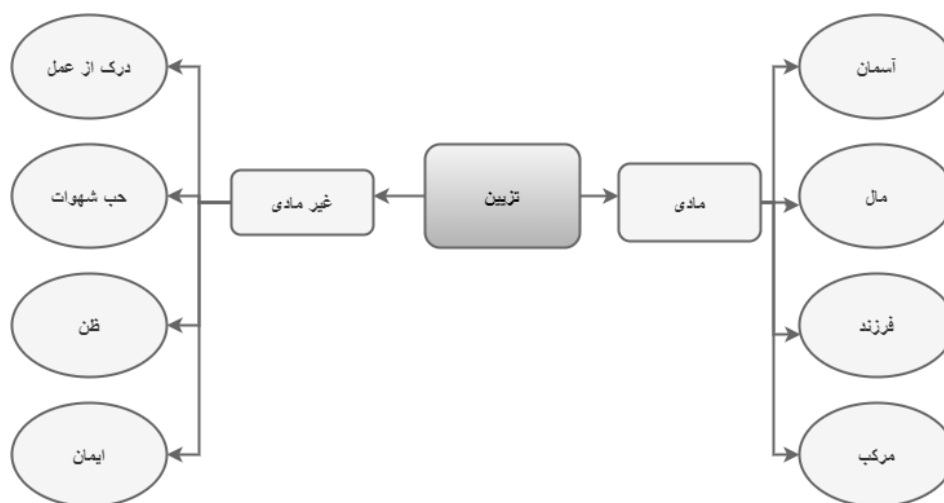
بافت آیات، با بسامد ۱۱ مرتبه، از تزیین عمل برای شخص یا فرقه‌های مختلف سخن رانده است (الانعام/۴۳؛ الانفال/۴۸؛ النمل/۴، ۲۴؛ العنکبوت/۳۸؛ یونس/۱۲؛ التوبه/۳۷؛ الفاطر/۸؛ غافر/۷؛ النحل/۶۳؛ الانعام/۱۰۸). عبارت زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ، در ۵ آیه و عبارت زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ، در ۲ آیه برای بیان حال اقوام عاد، ثمود و قوم سبا دیده می‌شود. خداوند متعال در آیه ۱۲ سوره یونس، در جلوه‌گری اعمال مسرفان در تمتع به زخارف دنیوی، از زیباکردن اعمالشان در نظر آنها می‌فرماید: «... كَذَلِكَ زَيْنٌ لِّلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ». قریب این مضمون در آیه ۴۳ سوره انعام نیز بیان شده است. تزیین عمل در ادراک شخص، به‌وضوح در آیه ۸ سوره فاطر بیان شده است: «أَفَمَنْ زَيْنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا...». در این آیه از وارونگی در درک سخن رفته است. قدرت این جلوه‌گری و زینت در مضمون آیه ۱۳۷ سوره انعام دیده می‌شود. خداوند متعال در این آیه می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ زَيْنٌ لِّكَثِيرٍ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ قَتَلَ أَوْلَادَهُمْ شُرَكَائُهُمْ...». عشق به فرزند امری غریزی است؛ به نحوی که در غیر انسان نیز وجود دارد. مضمون آیه از قدرت تزیین در تقابل با امری غریزی حکایت می‌کند که مقدمه آن کشش و محبت به بت‌ها بوده است. در تمامی آیات، عمل در قوه ذهن و ادراک شخص تزیین می‌شود و عمل سوء را حُسن در می‌یابد.

حب شهوات، از دیگر مفاهیم هم‌نشین، در رابطه مکملی با تزیین است. در آیه ۱۴ سوره آل عمران خداوند متعال می‌فرماید: «زَيْنٌ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْخَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَبَاقِ». حب به امور مادی، به سبب دوام بشر در زندگی دنیایی و زمینی، در بشر به غریزه نهاده شده است؛ اما مضمون آیه حاکی از تزیین علاقه به این امور و ایجاد شیفتگی افزون‌تر، حکایت دارد و یک امر غیر مادی در نظر انسان آراسته می‌شود. عبارت «ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ

الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ» حاکی از انقطاع آنان از امور اخروی به سبب این تزئین و شدت شیفتگی آن است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۹۵، ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۷).

ظن و قلب از دیگر مفاهیم هم‌نشین در رابطه مکملی و اشتدادی با شبکه معنایی زین است. خداوند متعال در آیه ۱۲ سوره فتح می‌فرماید: «بَلْ طَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَنْقَلِبَ الرَّسُولُ وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَى أَهْلِيهِمْ أَبَدًا وَزُيِّنَ ذَلِكُمْ فِي قُلُوبِكُمْ وَطَنَنْتُمْ ظَنًّا سَوِيًّا وَكُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا». ریشه ظن در این آیه، با بسامد ۳ بار (الفتح/۱۲) و قلب با بسامد ۲ مرتبه (الفتح/۱۲؛ الحجرات/۷) در رابطه مکملی و اشتدادی با زین است. ظن، در شمول‌پندار است و در قوه ادراکات درونی، در ساحت خیال و وهم محقق می‌شود؛ بنابراین، آیه حاکی از کاربست ریشه زین در امور غیر مادی است. باهم‌آیی قلب، از دیگر ابزارهای دریافت درونی نیز مؤیدی دیگر بر تزئین امور غیر مادی است.

ایمان، محبت و کراهت، از دیگر مفاهیم، در باهم‌آیی با زین و در رابطه اشتدادی با آن است. خداوند متعال در آیه ۷ سوره حجرات می‌فرماید: «وَاعْلَمُوا أَنَّ فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِنْ الْأَمْرِ لَعَنِتُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ». مضمون آیه از تزئین ایمان و محبوب‌ساختن آن در دل و ایجاد کشش و علاقه سخن رانده است. ایمان امری قلبی و در حیطه باورها و مستقل از خرد است که می‌تواند از مجرای اندیشه محقق شود. مصطفوی اصل آن را رفع خوف و اضطراب می‌داند (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۱، ص ۱۶۴). عبارت «كَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ» نیز از تمایل و رغبت نداشتن به این امور حکایت می‌کند. اصل ماده کره، خلاف رضا و محبت است (همان، ج ۱۰، ص ۵۳)؛ بنابراین، باهم‌آیی مفاهیمی مانند ایمان، محبت و کراهت مؤیدی بر محقق‌شدن تزئین امور در حیطه ادراکات درونی است.



۳-۳. پیامدها و کارکردهای زینت در نظام‌واره قرآن

سه گونه کارکرد و پیامد در بافت معنایی زین وجود دارد. تعدادی از آیات درباره کارکردها و پیامدهای زینت در نوع بشر، فارغ از باور و اعتقادات او، سخن رانده‌اند؛ اما در شمار زیادی از آیات، پیامدهای آن متأثر از نوع

باور انسان و عملکرد اوست که در این بافت معنایی صورت‌بندی می‌شود. در ادامه در سه حیطه، پیامدها و کارکردهای تزئین بررسی می‌شوند.

۱-۳-۳. انسان، مؤمن و غیر مؤمن

در برخی از آیات، فارغ از نوع اندیشه و عمل انسان، به کارکرد تزین در زندگی بشر اشاره شده است. در آیه ۷ سوره کهف، زینت بستری برای ابتلا و مقدمه‌ای برای رشد یا غی یاد شده و نیز در آیه ۳۲ سوره اعراف از مباح بودن بهره‌مندی از آن سخن رفته است. در ادامه، به تبیین آن پرداخته می‌شود.

۱-۳-۳-۱. زینت، محل ابتلا

مفهوم بلاء، از مفاهیم در باهم‌آیی با مشتقات زین است. در آیه ۷ سوره کهف خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لِّهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا». در این آیه «لِنَبْلُوَهُمْ» در رابطه اشتدادی با مشتقات زین است. زینت‌دادن، بستری برای ابتلای نوع بشر است. راغب اصفهانی بلی (بلو)، را به معنای کهنه‌شدن دانسته و تکالیف را نیز از جهاتی به بلاء تعبیر کرده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۴۵). ابن فارس نیز دو اصل برای آن بر می‌شمرد؛ نخست کهنگی و فرسودگی، و دوم، امتحان و اختبار (ابن فارس، ۱۴۰۴، ص ۲۹۲). مصطفوی، اصل آن را به معنای ایجاد تحول و دگرگونی در افراد برای به دست آوردن نتیجه یاد کرده است (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۱، ص ۳۶۱). ابن عاشور، دل‌بستگی به این زینت‌ها را محل ابتلا بر می‌شمرد (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۱۵، ص ۱۶). به طور کلی، مضمون آیه از ابتلاخیز بودن، زینت سخن رانده است.

مباح بودن آن حکایت دارد. برخی از مفسران عبارت «زینة الله التي أخرج لعباده» را پوشش و لباس معنا کرده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۸۹؛ ابن عاشور، بی‌تا، ج ۸، ص ۷۳)؛ اما برخی مانند طباطبایی، آن را اقسام زینت‌های مورد پسند جامعه و باعث مجذوب‌شدن دل برای تحکیم زندگی اجتماعی بر می‌شمرد و آن را از آداب راسخی بر می‌شمردند که به موازات ترقی و تنزل، مدنیت انسان ترقی و تنزل می‌کند و از لوازمی است که هیچ‌وقت از هیچ جامعه‌ای جدا نمی‌شود و پوشش را یکی از انواع آن یاد می‌کند و به لزوم اعتدال در بهره‌مندی از آن اشاره می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۸، ص ۹۹).

با توجه به مطالب گفته‌شده، باهم‌آیی ریشه بلو و حرّم به شکل استفهام انکاری و دقت در سیاق آیات، از ابتلاخیز بوده فتنه و اباحه بهره‌مندی از آن حکایت دارد. شایان ذکر است مؤلفه تمایل و کشش که در دریافت‌های ریشه‌شناسی خودنمایی کرد، همسو با ابتلاخیز بودن زینت است.

۲-۳-۳. مؤمنان

ساختار مفهوم زینت در قرآن کریم از مؤلفه‌هایی خاص مؤمنین سخن رانده است که عبارت‌اند از: اصلاح و تعالی مؤمن در پی تزین ایمان در قلب او، امر به تمتع از زینت در عبادت و اختصاص زینت به مؤمن در آخرت. در ادامه به تبیین این موارد پرداخته می‌شود.

۱-۳-۳-۲. اصلاح و تعالی

گرایش به ایمان در مؤمنین و تشدید این تمایل در پی تزین آن، در آیه ۷ سوره حجرات چنین بیان می‌شود: «وَاعْلَمُوا أَن فَيْكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِغْكُمُ فِي كَثِيرٍ مِّنَ الْأُمَرِ لَعَيْتُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَبٌ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانُ وَزِينَةُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّةٌ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ». باهم‌آیی قلوبکم، گستره تزین و هم‌نشینی حبّ و کرّه از مؤلفه گرایش و تمایل در بافت معنایی

۲-۳-۱-۲. اباحه زینت

حرّم، از دیگر مفاهیم هم‌نشین در بافت آیات زین و در رابطه مکملی با آن است. در آیه ۳۲ سوره اعراف خداوند متعال می‌فرماید: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ». استفهام انکاری ابتدای آیه (مَنْ حَرَّمَ)، از

زین حکایت دارد. لغویون، ریشه حب را به معنای میل شدید و در تقابل با بغض بر می‌شمردند (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۳۴؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۶۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۱۴). مصطفوی کره را در تقابل با رضا و محبت یاد کرده است (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۱۰، ص ۵۳)؛ بنابراین، دقت در مفاهیم کره و حب در باهم‌آیی با زین، افزون بر دریافت‌های ریشه‌شناسی، مؤیدی بر کشش و گرایش در بافت معنای تزیین است. مطابق مضمون آیه، محبوب کردن ایمان و مجذوب کردن دل‌های مؤمنین در برابر آن و نیز مکروه کردن کفر و فسوق و عصیان بستری برای رشد و تعالی مؤمن خواهد بود. لغت‌شناسان، آن را در تقابل با غی و به معنای اصلاح و هدایت که سبب استقامت در طریق است، دانسته‌اند (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۲۴۳؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۳۵۴؛ مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۴، ص ۱۴۸). فحوای آیه از یکی از کارکردهای تزیین، اصلاح و رشد مؤمن، حکایت دارد.

۲-۲-۳. امر به بهره‌مندی از زینت

اخذ از مفاهیم هم‌نشین، در رابطه مکملی، با مشتقات زین است. در آیه ۳۱ سوره اعراف خداوند متعال می‌فرماید: «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ». لغویون اصل أخذ را تصرف و به دست آوردن بر می‌شمردند (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۲۷۸؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۶۸؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۶۸؛ مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۱، ص ۴۶). مدلول آیه یا عبارت از بهره نوع بشر از زینت سخن رانده است؛ اما عبارت عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ حاکی از تخصیص آن و خارج کردن مشرک و کافر از دلالت آیه است. آرای مفسران نیز آن را تأیید می‌کند.

طباطبایی در تبیین آیه می‌گوید: «معنای به همراه برداشتن زینت در موقع رفتن به سوی مسجد، آرایش ظاهری نیست؛ بلکه آرایشی معنوی است که مناسب با

نماز و طواف و سایر عبادات باشد. پس معنای آیه به امر به زینت‌کردن نیکو برای نماز و غیر آن بر می‌گردد و اطلاق آن شامل نماز اعیاد و جماعات و نمازهای یومیه و سایر وجوه عبادت و ذکر می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۸، ص ۷؛ کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۴، ص ۱۳۳). طبرسی نیز با بیان روایتی از امام باقر(ع)، به پوشیدن لباس‌های نو و زیبای خود در نماز جمعه و نماز عید اشاره کرده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۶۷۳). نجفی، خطاب آیه را تمامی فرزندان آدم می‌داند که عبارت «عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ» افرادی را که اهل نماز و عبادت نیستند، اخراج می‌کند. پس این ندا و این افتخار متوجه نمازگزاران می‌شود (نجفی، ۱۳۹۸، ج ۵، ص ۱۹۲). در التحریر و التنویر، ضمن بیان بهره‌مندی مؤمنان از زینت در عبادت، به ابطال زعم مشرکان از لزوم عریانی در حج سخن گفته است: «خُذُوا زِينَتَكُمْ إِبْطَالُ مَا زَعَمَ الْمُشْرِكُونَ مِنْ لُزُومِ التَّعَرَّى فِي الْحَجِّ» (ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۸، ص ۷۱)؛ بنابراین، باهم‌آیی اخذ در سیاق امر و دقت در مضمون آیه و آرای مفسران ذیل تبیین آن، حکم بهره‌مندی از زینت برای اهل عبادت دریافت می‌شود.

۳-۳-۲-۳. اختصاص زینت به مؤمن در آخرت

«خالص» از مفاهیم هم‌نشین در بافت آیات زین است. در آیه ۳۲ سوره اعراف خداوند متعال می‌فرماید: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ». در این آیه، خالصه، در رابطه اشتدادی با زین است. لغویون، خلص را به معنای پیراستگی، تصفیه و تنقیه دانسته‌اند (ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۶۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۹۲؛ مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۳، ص ۱۱۴). مضمون آیه حاکی از آن است که بهره‌مندی از زینت در آخرت، از مختصات مؤمنین است. ابن‌عاشور، لام را در عبارت «هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا» اختصاص بر می‌شمرد (ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۸، ص ۷۵). طبرسی با بیان نظر ابن‌عباس، به عدم تمتع زینت

از سوی مشرکین در قیامت اشاره می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۳۸۷).

۳-۳-۳. غیر مؤمنان

تفحص در باهم‌آیی‌های بافت معنایی تزین و دقت در سیاق آیات، پیامدهایی را برای غیر مؤمنین در پی تزین اعمالشان بر می‌شمرد که عبارت‌اند از: وارونگی درک و فهم، ولایت شیطان، انفکاک از حق، خسران و هلاکت، مغفول ماندن از علل معنوی.

۳-۳-۳-۱. وارونگی در درک و فهم

بافت آیات زین، از دو پیامد تزین اعمال حکایت می‌کند؛ نخست، از دست دادن قوه تمییز و دوم، وارونگی در درک و فهم امور. در ادامه، این پیامد درونی تبیین می‌شود.

واژه یعمهون، در یک آیه در رابطه اشتدادی با ریشه زین است. خداوند متعال در آیه ۴ سوره نمل می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زَيَّنَّا لَهُمْ أَعْمَالَهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُونَ». لغویون، عمه را تحیر و سرگردانی شدید تبیین می‌کنند (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۱۳۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۱۲؛ مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۸، ص ۲۷۷). با توجه به مضمون آیه، سرگردانی و تحیر می‌تواند عقبه تزین اعمال احصاء شود. آیه ۱۲۲ سوره انعام نیز از فقدان قوه تشخیص سخن رانده است و چنین می‌فرماید: «أَوْ مَنْ كَانَ مُثْنًا فَأُحْشِنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ». در این آیه، ایمان، به حیات و نور و کفر، به مرگ و تاریکی تشبیه شده است. مضمون آیه از حیات، اراده و شعوری در مؤمن سخن رانده که فوق دیگران است. طباطبایی در تبیین آیه، مفری برای کافر نمی‌داند؛ زیرا اعمال او چنان به نظرش جلوه کرده و او را مجذوب ساخته است که نمی‌گذارد به فکر بیرون آمدن از ظلمت باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۷، ص ۳۳۶). در این آیه، ظلمت در رابطه اشتدادی با زین

است. فراهیدی، ظلمت را مانع رؤیت یاد کرده است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۱۱۲). باهم‌آیی ظلمت با زین و دقت در مضمون آیه، مؤیدی بر از دست قوه تشخیص در اثر تزین اعمال در کافران دارد.

آیات بیان‌شده، از فقدان قوه تشخیص حکایت داشت. در گام بعدی، در اثر تزین اعمال، شخص دچار وارونگی در قوه تشخیص خواهد شد. در آیه ۸ سوره فاطر، خداوند متعال می‌فرماید: «أَفَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ فَلَا تَذْهَبُ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسَرَاتٍ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ». در این آیه، سوء در تقابل با حسن، در رابطه مکملی با زین است. مضمون آیه از منکوس و وارونه شدن فهم سخن رانده است؛ به طوری که عمل خود را برخلاف آنچه هست، می‌بیند. لغویون سوء را اسم جامعی برای تمامی مرضی‌ها و آفات بر می‌شمردند (ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۳، ص ۸۹؛ صاحب، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۴۱۴؛ جوهری، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۵۵؛ مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۵، ص ۳۱۲). راغب اصفهانی، حسن را هر اثر فرح‌بخش و شادی‌آفرین که مورد آرزو باشد، تبیین کرده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۳۵). سوء را حسن دیدن، نشانه شدت کج‌فهمی در اثر تزین عمل است. با توجه به آنچه گذشت از دست دادن قوه تمییز در گام نخست و سپس وارونگی در درک و فهم از تبعات تزین اعمال است.

۳-۳-۳-۲. روی‌گردانی و انفکاک از حق

باهم‌آیی برخی مفاهیم مانند صد، ضلال و سخر، در بافت معنایی تزین و دقت در سیاق آیات، از روگردانی انفکاک از حق دلالت دارد. در ادامه، این موارد تبیین می‌شوند.

تزین اعمال ناپسند می‌تواند آدمی را تا جایی پیش برد که به معارضه با حق بپردازد. عبارت «صَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ» در ۴ آیه در باهم‌آیی «زَيَّنَّا لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ» قرار دارد (النمل/۲۴؛ العنکبوت/۳۸؛ غافر/۳۷، الرعد/۳۳).

خداوند متعال در آیه ۲۴ سوره نمل در بیان حال قوم سبا می‌فرماید: «وَجَدْتُمُهَا وَ قَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ». قریب این مضمون در آیه ۳۸ سوره عنکبوت برای قوم عاد و ثمود چنین بیان می‌شود: «وَ عَاداً وَ ثَمُودَ وَ قَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ مِنْ مَسَاكِينِهِمْ وَ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَ كَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ». تعارض با حق به سبب زیبا جلوه دادن اعمال سوء، در شرح فرعون نیز بیان شده است (غافر/۳۷): «أَسْبَابَ السَّمَاوَاتِ فَأَطَّلَعَ إِلَى إِلَهِ مُوسَى وَ إِنِّي لَأَظُنُّهُ كَاذِباً وَ كَذَلِكَ زَيْنَ لِفِرْعَوْنَ سُوءَ عَمَلِهِ وَ صَدَّ عَنْ السَّبِيلِ وَ مَا كَيْدُ فِرْعَوْنَ إِلَّا فِي تَبَابٍ». خداوند متعال در آیه ۳۳ سوره رد نیز به آراسته شدن بت پرستی در پندار مشرکان اشاره می‌فرماید: «أَفَمَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ قُلْ سَمُّوهُمْ أَمْ تُنَبِّئُونَهُ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي الْأَرْضِ أَمْ يَظَاهِرُونَ الْقَوْلَ بَلْ زَيْنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مَكْرَهُمْ وَ صَدُّوا عَنِ السَّبِيلِ وَ مَنْ يَضِلِّ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ». در این آیه نیز «صدوا» در رابطه اشتدادی با زین قرار دارد.

لغو یون «صد» را به معنای انصراف قطعی و روی گرداندن شدید بر می‌شمرند (فراهِیدی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۸۰؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۲۸۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۲۴۵؛ مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۶، ص ۲۴۶). مضمون آیات از روی گردانی و اعراض شدید از حق در پی تزیین اعمال سخن رانده است.

این مؤلفه، به گونه‌ای دیگر در آیه ۸۸ سوره یونس در باهم‌آیی با «ضل»، در رابطه اشتدادی بیان شده است. خداوند متعال در این آیه می‌فرماید: «وَ قَالَ مُوسَى رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَ مَلَأَهُ زِينَةً وَ أَمْوَالاً فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَى أَمْوَالِهِمْ وَ اشْدُدْ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ». در این آیه، زینت و مال سبب اضلال دیگران شده است. طباطبایی در ذیل تفسیر این آیه، اضلال ابتدایی بر خداوند را محال دانسته است؛ اما اضلال برای مجازات را ممکن بر

می‌شمرد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۰، ص ۱۱۵). راغب اصفهانی، ضل را به معنای عدول و انحراف از راه مستقیم معرفی می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۵۱۲). مصطفوی، فقدان دلالت برای نیل به مقصود، مادی و معنوی را ضلال بر می‌شمرد (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۷، ص ۴۰). مضمون آیه ۸۸ سوره یونس از زینت به‌عنوان ابزاری برای گمراهی یاد کرده است.

باهم‌آیی ریشه «سخر» در رابطه اشتدادی و عطف با مشتقات زین نیز از انفکاک و جدایی با حق حکایت دارد. خداوند متعال در آیه ۲۱۲ سوره بقره می‌فرماید: «زَيْنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ الَّذِينَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ اللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ». مضمون آیه، زینت را سبب انحراف بر می‌شمرد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۶۵) و به تبع آن، از به سخره گرفتن مؤمنان سخن می‌گوید. این باهم‌آیی، مؤلفه انفکاک آنان از حق را به ذهن متبادر می‌کند؛ بنابراین، با توجه به آنچه رفت باهم‌آیی صد السبیل، ضلال و سخر و نیز دقت در سیاق آیات، یکی از پیامدهای زینت اعمال، انفکاک و جدایی از حق را به تصویر می‌کشد.

۳-۳-۳. خسران و هلاکت

باهم‌آیی مفاهیم «ارداء، بور و خسران» از پیامدهای سنگین تزیین حکایت می‌کند. در آیه ۲۵ سوره فصلت خداوند متعال می‌فرماید: «وَ قَيَّضْنَا لَهُمْ قُرَنَاءَ فَزَيَّنُوا لَهُمْ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ مَا خَلْفَهُمْ وَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنَّ وَ الْإِنْسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ». در این آیه، خاسرین، در رابطه اشتدادی با مشتقات زین قرار دارد. مفهوم آیه از خسران در پی تزیین سخن رانده است. لغویون خسران را نقص در سرمایه تبیین می‌کنند (ازهری، ۱۴۲۱، ج ۷، ص ۷۶؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۷۶). جوهری، در معنای تخسیر، هلاکت را نیز بر

می‌شمرد (جوهری، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۶۴۵).

در آیه ۱۳۷ سوره انعام خداوند متعال می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ زَيْنَ لِكَثِيرٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَتَلَ أَوْلَادِهِمْ شُرَكَائُهُمْ لِيُرِدُّوهُمْ وَيَلْبِسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوهُ فَذَرَهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ». در این آیه، «لیردوهم» در رابطه اشتدادی با زین قرار دارد. راغب اصفهانی الرّدى را هلاکت و مرگ معنا می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۳۵۰). مصطفوی اصل ردأ را به معنای تباه کردن می‌داند (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۴، ص ۱۰۸). طبرسی، در تفسیر آیه، لام را برای عاقبت دانسته است؛ یعنی نتیجه زینت قتل اولاد، هلاکت است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۵۷۳).

در آیه ۱۲ سوره فتح، در اثنای بازگشت پیامبر(ص) به مدینه، خداوند متعال می‌فرماید: «بَلْ طَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَنْقَلِبَ الرَّسُولُ وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَى أَهْلِيهِمْ أَبَدًا وَزَيْنَ ذَلِكَ فِي قُلُوبِكُمْ وَطَنَنْتُمْ ظَنَ السَّوْءِ وَكُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا». مضمون آیه از تزین پندار باطل، یعنی همان کشته و اسیر شدن پیامبر(ص) و مؤمنان، حکایت می‌کند. در این آیه، واژه «بور» در رابطه اشتدادی با زین قرار دارد. لغویون، بوار را به معنای کساد دانسته‌اند و به سبب آنکه کساد سبب فساد می‌شود، از این واژه به هلاکت تعبیر می‌کنند (ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۵، ص ۱۹۱، راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۵۲، مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۱، ص ۳۸۲). باهم‌آیی مفاهیم «خسران، بور و ارداء» و نیز دقت در سیاق آیات، حاکی از هلاکت و خسران در پی تزین اعمال است.

۴-۳-۳-۴. ولایت شیطان

ولی، از مفاهیم هم‌نشین در بافت آیات تزین است. خداوند متعال در آیه ۶۳ سوره نحل می‌فرماید: «تَاللَّهِ لَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَى أُمَمٍ مِنْ قَبْلِكَ فَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَهُوَ وَلِيُّهُمْ الْيَوْمَ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ». ولی در رابطه اشتدادی با زین قرار دارد. مصطفوی، اصل این ریشه را قرابت و

نزدیکی می‌داند (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۱۳، ص ۲۲۳). مضمون آیه افزون بر قرابت و صمیمیت با شیطان، با توجه به آیه ۱۰۰ سوره نحل (إِنَّمَا سُلْطَنُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ) می‌تواند از تسلط شیطان حکایت کند و مطابق آیه ۲۷ اعراف، این ولایت مختص گروهی است که ایمان نمی‌آورند: «... إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ». با توجه به مضمون آیات، انسان هر میزان زیر طوق ولایت شیطان باشد، به همان میزان اعمال سوء او برایش مزین می‌شود. پیامد آن در آیه ۲۸ سوره انفال چنین بیان می‌شود: «وَإِذْ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَإِنِّي جَارٌّ لَكُمْ فَلَمَّا تَرَاءَتِ الْفِئَتَانِ نَكَصَ عَلَى عَقَبَيْهِ». ولایت شیطان و تزین اعمال سوء، با بی‌بهره بودن از نصرت و یاری الهی در بزنگاه‌ها قرین خواهد بود.

۵-۳-۳-۳. مغفول ماندن از علل معنوی

در آیه ۴۳ سوره انعام، عدم تذلل پیامد قساوت قلب و تزین اعمال بیان شده است. خداوند متعال در این آیه می‌فرماید: «فَلَوْ لَا إِذْ جَاءَهُمْ بِأَسْنَا تَضَرَّعُوا وَلَكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ». مطابق آیه، کسی که دچار تزین اعمال زشت خود شده است، حق را نمی‌پذیرد و در برابر آن خاشع نمی‌شود و هنگام ابتلا به مصیبت و عذاب به درگاه خداوند تضرع نمی‌کند. در التحریر و التنویر، قساوت قلب و تزین اعمال سبب عدم تضرع یاد شده است (ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۶، ص ۱۰۰). طباطبایی در تفسیر این آیه به اعتماد آنان در اسباب و علل مادی در نتیجه تزین اعمالشان اشاره می‌کند و می‌گوید: «آنان به سبب تزین اعمالشان، به اسباب ظاهری، اعتماد و خیال کردند اصلاح امورشان همه بستگی به آن اسباب دارد و آن اسباب را مستقل در تأثیر می‌بینند» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۷، ص ۹۱). مغنیه نیز به در

الکاشف، به این مضمون اشاره می‌کند و می‌گوید: «آنان به سبب تزیین اعمال و قساوت قلب، علت تامه حوادث را در اسباب مادی می‌بینند» (محمدجواد مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۳، ص ۱۸۹).

در آیه ۱۲ سوره یونس، به گونه‌ای دیگر، به یادکرد غفلت از علل معنوی، در پی رفع مشکلات و حوادث پرداخته می‌شود و می‌فرماید: «وَ إِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنْبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَأَن لَّمْ يَدْخُنَا إِلَى ضُرِّ مَسَّهُ كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ». مطابق مضمون آیات، تزیین اعمال از اسباب غفلت معنوی احصا شده است.

نتیجه‌گیری

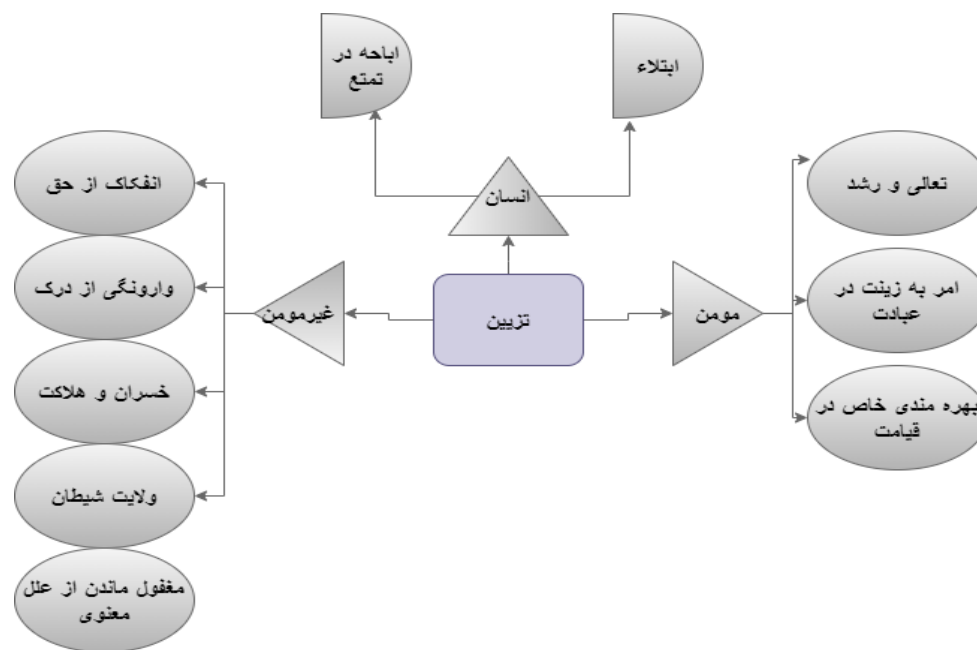
بررسی آرای لغویون، حاکی از عدم تضییق یا بسط معنایی ذیل ماده زین است. یگانه معنای دریافتی مبرابودن از عیب، نقص و پلیدی است که موجب بهجت‌آفرینی و نشاط است؛ و بنابر نظر مصطفوی، مؤلفه اصلی آن برخورداری از اعتدال است. این مفهوم در ساحت‌های مختلف مادی، معنوی، عملی، فکری و ... مصداق می‌یابد؛ بنابراین، لغویون با نگاه دو سویه اخلاقی و حسی به تبیین این واژه پرداخته‌اند. لغت‌شناسان در بیان گونه‌های زینت، به ذاتی و عرضی بودن آن و حسن‌دیدن در اثر علاقه و تخیل اشاره می‌کنند. گرایش و تمایل و رغبتی که در عقل، هوس و طبیعت انسان متبلور شود نیز در زین وجود دارد.

تبارشناسی ریشه زین در زبان‌های سامی، حاکی از کاربرست پربسامد تنوع آوایی آن است که سبب تقویت احتمال اشتراک لفظی ناشی از وام‌واژگی آن می‌شود. دریافت‌های ریشه‌شناسی حاکی از وجود دو مؤلفه اصلی در نیایی این ریشه است؛ نخست زیبایی و شکوه و دوم تمایل و کشش؛ از این رو، ارزیابی آرای لغویون میسر

می‌شود. مفهوم فرح‌بخشی و محبت در زبان اکدی، مجلل در زبان آرامی و مفهوم زیبایی و جذب‌کردن در زبان حبشی مؤیدی بر مؤلفه‌های دریافتی در آرای لغویون است.

در بررسی باهم‌آیی‌های مشتقات زین، سخن از فاعلیت خدا، شیطان، قراء و شرکاء (بت‌ها) رفته است. بیشترین بسامد، با لحاظ‌کردن گوناگونی در گستره این فاعلیت، به ترتیب به خدا و شیطان تعلق دارد. بنا بر تقسیمی، گستره زینت به دو گونه تبیین می‌شود؛ نخست زینت‌های محسوس و مادی و دوم، زینت‌های متافیزیکی. به عبارت دیگر، گستره زینت در قرآن کریم از پدیده‌های مادی فراتر بوده و به حوزه ادراکات درونی نیز تسری یافته است. تزیین عمل (عمل سوء)، شهوت، ظن و ایمان حاکی از مزین‌کردن آن در حوزه ادراک فرقه‌ها و اشخاص است.

سه گونه کارکرد و پیامد در بافت معنایی زین، قابل ردیابی است. تعدادی از آیات از کارکردها و پیامدهای زینت و زیبایی در نوع بشر، فارغ از باور و اعتقادات او سخن رانده‌اند؛ اما در شمار زیادی از آیات، پیامدهای آن متأثر از نوع باور انسان و عملکرد اوست که در این بافت معنایی صورت‌بندی می‌شود. از کارکردهای زینت در نوع بشر، ابتلاخیز بودن آن و بستری برای اعتلا و هبوط است. ساختار مفهوم زینت در قرآن کریم، از مؤلفه‌هایی خاص مؤمنین سخن رانده است که عبارت‌اند از: اصلاح و تعالی مؤمن در پی تزیین ایمان در قلب او، امر به تمتع از زینت در عبادت و اختصاص زینت به مؤمن در آخرت. تفحص در باهم‌آیی‌های بافت معنایی تزیین و دقت در سیاق آیات، پیامدهایی را برای غیر مؤمنین، در پی تزیین اعمالشان بر می‌شمرد که عبارت‌اند از: وارونگی در درک و فهم، ولایت شیطان، انفکاک از حق، خسران و هلاکت، مغفول‌ماندن از علل معنوی.



ترسیم شبکه معنایی تزئین

کتابنامه

- قرآن کریم.
- آذرنوش، آذرتاش. (۱۳۸۳ش). زبان قرآن، تهران. دانشگاه تهران.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر. (بی‌تا). التحرير و التنوير. (بی‌جا): بی‌نا.
- ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- (۱۹۶۳م). الصاحبی فی فقه اللغة و سنن العرب. بیروت: مؤسسه ابدان للطباعة و النشر.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۰۴ق). لسان العرب. بیروت: دارصادر.
- ازهری، محمد بن احمد. (۱۴۲۱ق). تهذیب اللغة. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- شهرام پازوکی. (۱۳۹۸). حکمت هنر و زیبایی در اسلام. تهران: موسسه تالیف ترجمه و نشر آثار هنری متن و فرهنگستان هنر
- پالمر، فرانک رابرت. (۱۳۷۴ش). نگاهی تازه به معنی‌شناسی. مترجم: کوروش صفوی. تهران: کتاب ماد.
- ثعالبی، عبدالملک بن محمد. (۱۴۱۴ق). فقه اللغة. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۳۷۶ش). الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربیه). به کوشش احمد عبدالغفور عطار. بیروت: دارالعلم للملایین.
- خلیل بن احمد فراهیدی. (۱۴۰۹ق). العین. قم: نشر هجرت.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). مفردات فی غریب القرآن. بیروت: دارالقلم.
- زبیدی، محمد بن محمد. (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دارالفکر.
- زمخشری، محمود. (۱۴۰۶ق). الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل و عیون الأفاویل فی وجوه التأویل. بیروت: دارالکتب العربی.
- زمخشری، محمود. (۱۳۸۶ش). مقدمه الأدب. تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران.
- صفوی، کوروش. (۱۳۸۷ش). درآمدی بر معنی‌شناسی. تهران: انتشارات سوره مهر.
- (۱۳۷۹ش). فرهنگ توصیفی معنی‌شناسی. تهران: فرهنگ معاصر.

- Louvain: peerters.
 Black, J. et al. (2000). Aconcise Dictionaty of Akkadian. Wiesbaden: Harrassowits Verlag.
 Gesenius, W. (1939). A Hebrew and English Lexicon of the Old Testsmnt. Tr. E Robinson. ed. F. Brown. Oxford University Press.
 Leslau, W. (1991). Comparative Dictionary of Geez (classical Ethiopic). A Hebrew and English. Wiesbaden: Harrassowitz.
 Jastrow, M. (1903). A dictionary of the Targumim. The Talmud Babli and Yeushalmi and the Midrashic Literature. New York: G.p. putnams Sons. Vol.2.
 Dalman, GH. (1901). Aramaish-Neuhebraisches Worterbruch zu Targum Talmud und Midrash. Frankfurt: M.J. Kauffmann.
 Lipniski, Edward. (2007). SIN, Encyclopdia Judaica, Micheal Berenbau. New York: Macmillan Reference.

Bibliography

The Holy Quran.

- Azarnoush, Azartash. (2004). The Language of the Qur'an. Tehran: University of Tehran.
 Ibn Ashur, Muhammad Bin Tahir. (n.d). Tahrir and al-Tanvir. n.p.
 Ibn Faris, Ahmad. (1404 AH). Mujam al-Maqais al-Lughah. Qom: Al-Alam al-Islami Office.
 ----- (1963). Al-Sahibi fi Fiqh al-Lughah and Sunan al-Arab. Beirut: Abdran Institute of Printing and Publishing.
 Ibn Manzoor, Muhammad Bin Makram. (1404 AH). Lisan al-Arab. Beirut: Dar Sadir.
 Azhari, Muhammad bin Ahmad. (1421 AH). Tahzib al-Lughah. Beirut: Dar ihya al-Turath al-Arabi.
 Shahram Pazouki. (2018). The wisdom of art and beauty in Islam. Tehran:

- طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: انتشارات اسلامی.
 طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصر خسرو.
 طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۳۷۵ش). مجمع البحرين و مطلع النیرین. تهران: مرتضوی.
 طوسی، محمد بن حسن. (بی‌تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 فخر رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب). بیروت: دارالتراث العربی.
 فرانک بورچ براون. (۱۳۸۴). مقاله دورنمایی از زیبایی‌شناسی دینی مترجم جواد قاسمی زیباشناخت. شماره ۱۳.
 فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. (۱۴۱۵ق). القاموس المحيط. بیروت: دار الکتب العلمیه.
 قرشی، علی اکبر. (۱۳۷۱ش). قاموس قرآن. تهران: اسلامی.
 کاشانی، ملافتح الله. (۱۳۳۶ش). منهج الصادقین فی الزام المخالفین. تهران: انتشارات محمد حسن علمی.
 لاینز، جان. (۱۳۹۱ش). درآمدی بر معنی‌شناسی زبان. ترجمه کوروش صفوی. تهران: نشر علمی.
 مراغی، احمد مصطفی. (بی‌تا). التفسیر. بیروت: دارالفکر.
 مطیع، مهدی. (۱۳۹۵ش). معنای زیبایی در قرآن. تهران: امام صادق.
 مصطفوی، حسن. (۱۴۳۰ق). التحقيق فی کلمات القرآن الکریم. بیروت: دارالکتب العلمیه.
 نجفی خمینی، محمد جواد. (۱۳۹۸ق). تفسیر آسان. تهران: انتشارات اسلامی.
 همتی، همایون. (۱۳۸۶ش). زیبایی‌شناسی دینی. مجله معارف. فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۶. شماره ۴۵.
 Frank Burch Brownorch. (1993). Religious Aesthetics. Princeton University Press.
 Beeston, A.F.L. et al. (1982). Sabaic Dictionary (English-french-arabic).

- (1996). Majma Al-Bahrein and Matla Al-Nirain. Tehran: Mortazavi.
- Tousi, Muhammad bin Hasan. (n.d). al-Tibyan fi Tafsir al-Qur'an. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Fakhr Razi, Abu Abdullah Muhammad bin Omar. (1420 AH). al-Tafsir al-Kabir (Mafatih al-Ghayb). Beirut: Dar al-Turath al-Arabi.
- Frank Burch Brown. (1384). a perspective article on religious aesthetics. Translated by Javad Ghasemi. Aesthetics. number 13.
- Firouzabadi, Muhammad bin Yaqoub. (1415 AH). Al-Qamous al-Muhit. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiya.
- Qoreishi, Ali Akbar. (1992). Quran Dictionary. Tehran: Islamia.
- Kashani, Mollahfatullah. (1957). Minhaj al-Sadiqin fi Ilzam al-Mukhalifiin. Tehran: Mohammad Hasan Elmi Press.
- Lines, John. (2013). An introduction to the semantics of language. Translated by Kourosh Safavi. Tehran: scientific publication.
- Maraghi, Ahmad Mustafa. (n.d). Al-Tafsir. Beirut: Dar al-Fikr.
- Mutih, Mahdi. (2015). The Meaning of Beauty in the Qur'an. Tehran: Imam Sadiq.
- Mustafavi, Hassan. (1430 AH). Researching the words of the Holy Qur'an. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiya.
- Najafi Khomeini, Mohammad Javad. (2019). Tafsir Asan. Tehran: Islamia Press.
- Frank Burch Brownorch. (1993). Religious Aesthetics. Princeton University Press.
- Beeston, A.F.L. et al. (1982). Sabaic Dictionary (English-french-arabic). Louvain: peerters.
- Black, J. et al. (2000). Aconcise Dictionaty of Akkadian. Wiesbaden: Harrassowits Verlag.
- Text and Farhangestan Art Works Translation and Publishing Institute.
- Palmer, Frank Robert. (1995). A New Look at Semantics. Translated by Kourosh Safavi. Tehran: Ketab Mad.
- Thaalabi, Abd al-Malik bin Muhammad. (1414 AH). Fiqh al-Lughah. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiya.
- Johari, Ismail bin Hammad. (1997). Al-Sihah (Taj al-Lughah and Sahah al-Arabiyya). by Ahmad Abdul Ghafoor Attar. Beirut: Dar al-Ilm for the Muslims.
- Khalil bin Ahmad Farahidi. (1409 AH). Al-Ain. Qom: Nashr hijart.
- Raghib Esfahani, Hossein bin Mohammad. (1412 AH). Mufradat Fi Gharib al-Qur'an. Beirut: Dar al-Qalam.
- Zubeidi, Muhammad bin Muhammad. (1414 AH). Taj al-Arous Min Javahir al-Qamous. Beirut: Dar al-Fikr.
- Zamakhshari, Mahmoud. (1406 AH). Al-Kashaf. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi.
- Zamakhshari, Mahmoud. (2007). Introduction to Literature. Tehran: Institute of Islamic Studies, University of Tehran.
- Safavi, Kourosh. (2008). an introduction to semantics. Tehran: Surah Mehr Publications.
- (2000). Semantic Descriptive Culture. Tehran: Contemporary Culture.
- Tabatabaei, Seyyed Muhammad Hossein. (1417 AH). Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an. Qom: Islamic Publications.
- Tabarsi, Fazl bin Hasan. (1993). Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an. Tehran: Nasser Khosrow.
- Tureihi, Fakhreddin bin Mohammad.

- Dalman, GH. (1901). Aramaish-Neuhebraisches Worterbruch zu Targum Talmud und Midrash. Frankfurt: M.J. Kauffmann.
- Lipniski, Edward. (2007). SIN, Encyclopdia Judaica, Micheal Berenbau. New York: Macmillan Reference.
- Gesenius, W. (1939). A Hebrew and English Lexicon of the Old Testsmnt. Tr. E Robinson. ed. F. Brown. Oxford University Press.
- Leslau, W. (1991). Comparative Dictionary of Geez (classical Ethiopic). A Hebrew and English. Wiesbaden: Harrassowitz.
- Jastrow, M. (1903). A dictionary of the Targumim. The Talmud Babli and Yeushalmi and the Midrashic Literature. New York: G.p. putnams Sons. Vol.2.